

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Human Rights

حقوق بشر

فرستنده: علی کاظمی- ایران

۱۷ سپتمبر ۲۰۱۶

ما علیه همه مسؤولان حکومتی شریک در قتل عام سال ۶۷،
اعلام جرم می‌کنیم!



«آی رفقایم،

خواهران و برادرانم،

که در خون یکدیگر دفن شده اید

دسته جمعی!

روزها برای دادخواهی دویده ایم

شبها بغض خویش فروخورده

تا فورانش را در ایستادگی متبلور کنیم.

امروز بیش از پیش

فلق می‌درخشد

و قصه‌های مگو از پرده بیرون افتاده اند

شفقی سرخ در راه است

آسوده باشید رفیقانم.» «شعری از تینا. ف»

کشتار گروهی زندانیان سیاسی در تابستان سال ۶۷، یک قتل عام سیاسی است، زیرا زندانیانی که حکم زندان داشتند و دوران محکومیت‌شان را سپری می‌کردند یا محکومیت‌شان به پایان رسیده بود، با حکم حکومتی و توسط «کمیسون مرگ»، در دادگاه‌های غیرعلنی و ناعادلانه و بی خبر از خانواده‌ها به اعدام محکوم شدند و نزدیک به ۵۰۰۰ نفر از بهترین انسان‌های مبارز را به شکل گروهی اعدام و در گورهای جمعی در خاوران، بهشت زهرا یا در دیگر گورستان‌های بی نام و نشان، مدفون کردند.

بر مبنای اساسنامه دادگاه بین المللی نورنبرگ، می‌توان قتل عام زندانیان سیاسی در سال ۶۷ را «جنایت علیه بشریت» یا «نسل کشی» قلمداد کرد و مسئولان جمهوری اسلامی شریک در این جنایت را در دادگاه‌های بین المللی به پای میز محاکمه کشاند. زیرا جمهوری اسلامی ایران گروه‌هایی از زندانیان سیاسی را که حکم زندان داشتند، به شکل سیستماتیک و برنامه ریزی شده و با شکنجه و تجاوز و در دادگاه‌هایی مخفی و ناعادلانه و در بی خبری مطلق، با حکم حکومتی، قتل عام کرد.

رژیم جمهوری اسلامی طی این بیست و هشت سال مهر سکوت بر لب زده بود تا اسرارش از پرده بیرون نیفتد، اما مادران و خانواده‌های خاوران و دیگر تلاشگران عرصه دادخواهی در ایران و خارج از کشور در تمامی این سال‌ها به اشکال مختلف تلاش کردند که با ایستادگی و دادخواهی، با این سکوت مبارزه کنند و حکومت را به پاسخ گوئی بکشانند. از اعتراض و تحصن جلو دادگستری و نوشتن دادخواست به مقامات قضائی و نهادهای رسمی تا رفتن بر سر مزار عزیزان‌شان و مصاحبه و نوشتن مطالب افشاگرانه و برگزاری مراسم یادبود در منازل و در خاوران و دیدار همدیگر در ایران تا افشاگری در خارج از کشور از طریق نوشتن خاطرات زندان، کتاب، مقاله، مصاحبه، برگزاری مراسم یادبود و شرکت در کنفرانس‌های مختلف و غیره که نگذاشتند صدای دادخواهی در ایران خاموش شود. با انتشار فایل صوتی آقای منتظری، مسائل عریان تر از گذشته شد. نکته حائز اهمیت در این فایل، شنیده شدن صدای هیأت مرگ است که دیگر کسی نمی‌تواند آن را کتمان کند. سپس گورهای دسته جمعی در ملک آباد مشهد افشاء شد. اکنون دیگر کسی نمی‌تواند این جنایات را انکار کند و مسئولان نظام یک به یک شروع به موضع گیری کرده اند.

- مصطفی پورمحمدی وزیر دادگستری!! کابینه روحانی، با بی شرمی تمام می‌گوید: "ما افتخار می‌کنیم که دستور خدا را در رابطه با منافقین اجراء کردیم".

- صادق لاریجانی رئیس قوه قضائیه می‌گوید: "آن چه از احکام دادگاه‌ها برحسب موازین شرعی و قوانین، انجام شده قابل خدشه نیست و حکم گروه‌های محارب کاملاً آشکار است."

- هاشمی رفسنجانی این فایل را بی حرمتی به خمینی می‌داند و انتشار آن را محکوم می‌کند: "با ابراز تأسف شدید از موج جدید ایجاد شده برای حمله به امام که تقریباً در همه رسانه‌های معاند خارجی هم این موج ادامه دارد، خدشه دار کردن جایگاه مرحوم حاج احمد آقا و بیت معزز امام در جامعه است که نباید اجازه داد به اهداف خود برسند."

- در جلسه مجمع تشخیص نظام در روز ششم شهریور پس از رفسنجانی، محسن رضائی و مجید انصاری - از اصلاح طلبان و از نزدیکان خانواده خمینی و رئیس سازمان زندان‌های جمهوری اسلامی در سال‌های ۶۵ و ۶۶ - به دفاع از کارکرد حکومت در دهه ۶۰ پرداختند و آن چه را که مجید انصاری «تخریب چهره» امام نامید، محکوم کردند.

- حسن خمینی می‌گوید: "اعدام‌ها برای حفظ انقلاب اسلامی ضرورت داشت." دیگر نوه‌های خمینی، موسوی تبریزی، موسوی بجنوردی و محمد علی انصاری نیز به شکلی آشکار به جمع منتقدان آقای منتظری و حامیان کشتار سال ۶۷ پیوستند.

- علی فلاحیان وزیر دولت رفسنجانی درباره این کشتار می‌گوید: "نظر امام و همه علماء این است که کسانی که علیه حکومت اسلامی شورش می‌کنند، حکم‌شان اعدام است و شکی در آن وجود ندارد. رهبر گفتند باید حکم خدا را اجراء کرد و توجهی به قضاوت تاریخ نباید بشود."
- احمد خاتمی: "آن چه امام راحل در سال ۶۷ صورت داد کاری فقهی، قرآنی، انقلابی و خدمتی بزرگ به ملت مسلمان ایران بود."
- ابراهیم یزدی: "مجاهدین خلق با منتظری فرصت طلبانه برخورد کردند، به او در این باره هشدار دادیم؛ تقابل آیت الله منتظری با امام صلاح نبود."
- علی اکبر ولایتی: "زمان وزارت یک سفارت خانه عربی با ظاهر انقلابی در بیت آقای منتظری نفوذ کرده بود..."
- تاج زاده می‌گوید: "ببخشید اما فراموش نکنید." کی و کجا رژیم تقاضای بخشش کرده که وی چنین می‌گوید و از آشتی ملی حرف می‌زند؟ آیا با حاکمیتی که با وقاحت تمام اعدام‌های سال ۶۷ و دهه شصت را به حق می‌داند و همچنان سیاست حذف فزینی و اعدام و شکنجه و زندان با احکام سنگین برای فعالان سیاسی و عقیدتی را در دادگاه‌های فراقانونی اش به اجراء می‌گذارد و بر ادامه این سیاست‌ها پافشاری می‌کند، می‌توان از آشتی ملی سخن گفت؟ تاج زاده با مصلحت اندیشی می‌گوید: "من از خانواده‌های اعدام شدگان آن فاجعه که عضو مجاهدین خلق نبودند پوزش می‌طلبم..."
- و مطهری نیز با کلیت اعدام‌ها مسأله ای ندارد و از نحوه و چگونگی اجرائش پرس و جو می‌کند.
- در این روزها خامنه ای، روحانی، خاتمی و دیگر مسؤولان نظام و اغلب اصلاح طلبان حکومتی نیز سکوت اختیار کرده اند، زیرا همه آنها مستقیم یا غیرمستقیم در این جنایت‌ها شریک بوده اند و می‌دانند هر چه بگویند، آبروی‌شان بیشتر خواهد رفت.

در زمان اعدام‌ها:

- اکبر هاشمی رفسنجانی، جانشین فرمانده کل قواء، در روز پنجم مرداد [اسد] ۱۳۶۷ می‌گوید: "فرصت خوبی به وجود آمده که در اینجا آن‌ها را منهدم کنیم و شرشان را کم کنیم."
- موسوی اردبیلی رئیس شورای عالی قضائی، در خطبه نماز جمعه ۱۴ مرداد ۱۳۶۷ فریاد می‌زند: "قوة قضائیه در فشار بسیار سخت افکار عمومی است که چرا این‌ها (زندانیان سیاسی) را محاکمه می‌کنید؟ چرا تمام این‌ها اعدام نمی‌شوند و یک دسته‌شان زندانی می‌شوند؟"

در اوایل انقلاب:

- حسن روحانی در تیر [سرطان] ۱۳۵۹ با نطق خود در مجلس در رابطه با حوادث طبس می‌گوید: "ما از ارتش و دادگاه انقلاب می‌خواهیم که در مورد توطئه گران عجله نکنند و تحقیقات را در حد وسیع انجام دهند و ریشه یابی کنند و تقاضای من این است که توطئه گران را هنگام نماز جمعه در حضور مردم به دار آویزان کنند تا تأثیر بیشتری داشته باشد."
- ما مادران پارک لاله که داغداران خاوران نیز هستیم، علیه تمامی مسؤولان حکومتی که در جنایات دهه شصت و به ویژه کشتار گروهی زندانیان سیاسی در تابستان ۶۷ مشارکت داشته اند، اعلام جرم می‌کنیم و خواهان برکناری،

محاکمه و مجازات همه جنایتکارانی که بر عالی ترین مقامات قضائی و اجرائی تکیه کرده اند، می‌باشیم. سرزمین ما در این ۳۷ سال عرصه تاخت و تاز کسانی بوده که جز پلیدی و دشمنی با آزادی و عدالت و برابری چیزی به همراه نداشته اند و قوانین و دست آورد شرعی و عرفی‌شان نیز به غایت آزادی ستیز و تبعیض آمیز بوده است و کوچک ترین ارزشی نیز برای جان و اندیشه انسان‌ها قائل نبوده و نیستند و سرکوب و نیستی بشریت ره آورد وجودی‌شان است. آنانی که هزاران هزار جان عاشق و اندیشه آزاد و پویا را به نابودی کشانده اند، اما دیگر بس است و باید چاره ای اندیشید.

ماه‌های مادران و خانواده‌های خاوران خواهان کشف حقیقت هستیم و می‌خواهیم بدانیم:

- ۱- نحوه دقیق از تصمیم گیری تا اجرای اعدام گروهی زندانیان سیاسی چه بوده و چگونه اجراء شده و آمران و عاملان این کشتار چه کسانی بوده اند؟
 - ۲- بر مبنای کدام قانون و به چه جرمی، زندانیانی که حکم زندان داشتند، گروهی محاکمه شده و اعدام شدند؟
 - ۳- چرا محاکمه زندانیان سیاسی پشت درهای بسته انجام شده است؟
 - ۴- چرا نزدیک به پنج ماه از منع ملاقات‌ها تا دادن ساک‌ها، خانواده‌ها را در بی خبری مطلق نگاه داشتند؟
 - ۵- تعداد دقیق و اسامی کشته شدگان دهه شصت و تابستان ۶۷ به طور رسمی اعلام شود؟
 - ۶- اعدام شدگان در کجا و چگونه به خاک سپرده شده اند؟
 - ۷- وصیت نامه اعدام شدگان کجاست؟
 - ۸- چرا خانواده‌ها حق برگزاری مراسم آزادانه را ندارند؟
 - ۹- چرا درب خاوران بسته شده است و مأموران جلو حضور خانواده‌ها را می‌گیرند؟
 - ۱۰- چرا چندین بار خاوران و دیگر گورستان‌های بی نام و نشان زیر و رو شده است؟
- و

ما همچنین از آقای احمد منتظری که این نوار را (هرچند با تأخیر بیست و هشت ساله)، ولی جسورانه در اختیار مردم قرار داده تا به کشف حقیقت یاری رساند، قدردانی می‌کنیم و از مسئولان حکومتی می‌خواهیم که از فشار و پرونده سازی در مورد ایشان دست بردارند، زیرا ما و بسیاری از خانواده‌ها و دادخواهان در برابر فشارهای حکومت به ایشان یا هر فرد دیگری که بخواهد «مستند» به کشف حقیقت یاری رساند، خواهیم ایستاد.

ما باز هم از آقای احمد منتظری یا دیگر افراد جدا شده از حکومت که مدعی اند مسئولان جمهوری اسلامی جنایت‌کارند و از همراهی خود با این حکومت ابراز پشیمانی می‌کنند، می‌خواهیم که برای کشف حقیقت به خانواده‌ها و دادخواهان یاری رسانند و اطلاعات خود در مورد پنهان کاری جنایت‌های جمهوری اسلامی را افشاء کنند، بی تردید ما نیز از این اقدام‌های جسورانه و مردمی استقبال خواهیم کرد.

حق دانستن حقیقت و دادخواهی بدیهی ترین مطالبه خانواده‌ها و ما دادخواهان است که پیگیرانه آن را دنبال می‌کنیم.

مادران پارک لاله ایران

۲۱ شهریور [سنبله] ۱۳۹۵